



مجموعه قوانین و مقررات

قانون آیین دادرسی مدنی

با آفرین اصلاحات و الحاقات



قانون دیوان عدالت اداری

قانون شورای حل اختلاف+ آیین نامه اجرایی شورای حل اختلاف

آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹

قانون استفاده بعضی از دستگاه ها از نماینده حقوقی در مراجع قضائی

قانون الحاق یک تبصره به قانون استفاده بعضی از دستگاه ها از نماینده حقوقی در

مراجع قضایی

قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴

قانون نظارت بر رفتار قضات

قانون حمایت خانواده+ آیین نامه

قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین

فهرست

کتاب اول- در امور مدنی.....	۹
کلیات	۹
باب اول- در صلاحیت دادگاهها	۱۱
فصل اول- در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها.....	۱۱
فصل دوم- اختلاف در صلاحیت و ترتیب مل آن	۱۴
باب دوم- وکالت در دعاوی.....	۱۶
باب سوم- دادرسی نخستین	۲۲
فصل اول- دادخواست.....	۲۲
مبحث اول- تقدیم دادخواست	۲۲
مبحث دوم- شرایط دادخواست	۲۲
مبحث سوم- موارد توقیف دادخواست.....	۲۴
مبحث چهارم- پیوستهای دادخواست.....	۲۵
فصل دوم- بهای خواسته	۲۶
فصل سوم- جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی	۷۲
مبحث اول- جریان دادخواست	۲۷
مبحث دوم- ابلاغ.....	۲۸

۳۳	مبحث سوم- ایرادات و موانع رسیدگی.....
۳۶	فصل چهارم- جلسه دادرسی.....
۳۹	فصل پنجم- توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....
۴۰	فصل ششم- امور اتفاقی.....
۴۰	مبحث اول- تأمین خواسته.....
۴۵	مبحث دوم- ورود شفع ثالث.....
۴۶	مبحث سوم- جلب شفع ثالث.....
۴۸	مبحث چهارم- دعوای متقابل.....
۴۸	مبحث پنجم- اذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی.....
۵۰	فصل هفتم- تأمین دلیل و اظهارنامه.....
۵۰	مبحث اول- تأمین دلیل.....
۵۱	مبحث دوم- اظهارنامه.....
۵۲	فصل هشتم- دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت.....
۵۸	فصل نهم- رسیدگی به دلایل.....
۵۸	مبحث اول- کلیات.....
۶۰	مبحث دوم- اقرار.....
۶۰	مبحث سوم- اسناد.....

۶۸	مبحث چهارم- گواهی.....
۷۱	مبحث پنجم- معاینه ممل و تمقیق مملی.....
۷۳	مبحث ششم- رجوع به کارشناس.....
۷۷	مبحث هفتم- سوگند.....
۸۱	مبحث هشتم- نیابت قضایی.....
۸۳	فصل یازدهم- رأی.....
۸۳	مبحث اول- صدور و انشای رأی.....
۸۴	مبحث دوم- ابلاغ رأی.....
۸۵	مبحث سوم- مکم مضوری و غیابی.....
۸۵	مبحث چهارم- واخواهی.....
۸۷	مبحث پنجم- تصمصیح رأی.....
۸۸	مبحث ششم- دادرسی فوری.....
۹۰	باب چهارم- تجدیدنظر.....
۹۰	فصل اول- امکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر.....
۹۲	فصل دوم- آرای قابل تجدیدنظر.....
۹۳	فصل سوم- مهلت تجدیدنظر.....
۹۴	فصل چهارم- دادخواست و مقدمات رسیدگی.....

فصل پنجم- مهات تجدیدنظر.....	۹۷
باب پنجم- فرجام فواهی.....	۱۰۱
مبحث اول- فرجام فواهی و آرای قابل فرجام.....	۱۰۱
فصل اول- فرجام فواهی در امور مدنی.....	۱۰۱
مبحث دوم- موارد نقض.....	۱۰۳
مبحث سوم- ترتیب فرجام فواهی.....	۱۰۵
مبحث چهارم- ترتیب رسیدگی.....	۱۰۸
مبحث پنجم- مهلت فرجام فواهی.....	۱۱۰
مبحث ششم- اقدامات پس از نقض.....	۱۱۱
باب ششم- مواعد.....	۱۲۲
فصل اول- تعیین و مساب مواعد.....	۱۲۲
فصل دوم- دادن مهلت و تجدید موعد.....	۱۲۳
باب هفتم- داوری.....	۱۲۴
باب هشتم- هزینه دادرسی و اعسار.....	۱۳۵
فصل اول- هزینه دادرسی.....	۱۳۵
فصل دوم- اعسار از هزینه دادرسی.....	۱۳۶
باب نهم- مطالبه‌ی فسارت و اجبار به انجام تعهد.....	۱۳۸

فصل اول- کلیات	۱۳۸
فصل دوم- خسارات	۱۴۰
فصل سوم- مستثنیات دین	۱۴۰
قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲	۱۴۳
بخش اول- تشکیلات	۱۴۳
بخش دوم- آیین دادرسی	۱۴۸
فصل اول- صلاحیت	۱۴۸
فصل دوم- ترتیب رسیدگی	۱۵۲
مبحث اول- رسیدگی در شعب بدوی	۱۵۲
مبحث دوم- رسیدگی در شعب تجدیدنظر	۱۷۳
مبحث سوم- رسیدگی در هیأت عمومی	۱۷۷
بخش سوم- اعاده دادرسی	۱۸۶
قانون نظارت بر رفتار قضات	۱۸۸
فصل اول - کلیات	۱۸۸
فصل دوم - دادگاه عالی و دادرسی انتظامی قضات	۱۸۸
فصل سوم - مجازاتها و تخلفات انتظامی	۱۹۲
قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی	۲۰۳

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه... ۲۱۵	
قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۲۲۴	
قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده مقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) از پرداخت هزینه دادرسی..... ۲۳۹	
قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شفص ثالث ۲۴۱	
آیین نامه اجرایی قانون شوراهای مل اختلاف ۲۵۶	
فصل اول - اختصارات و تعاریف ۲۵۶	
فصل دوم - وظایف و اختیارات مرکز ۲۵۷	
فصل سوم - تشکیل و فرایند اقدامات شورا ۲۵۹	
اصلاحیه آئین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۰/۰۷/۲۸ ۲۶۶	
فصل اول : تشکیلات..... ۲۶۶	
فصل دوم : صلاحیت ۲۶۸	
فصل سوم : ترتیب رسیدگی و صدور حکم ۲۶۸	
فصل چهارم : واخواهی، تجدیدنظر و فرجام خواهی ۲۷۴	

فصل پنجم : ابلاغ و اجرای امکام..... ۲۷۴

قانون الماق یک تبصره به قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده

مقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهیدانقلاب اسلامی و کمیته ۲۷۸

قانون نظارت بر رفتار قضات..... ۲۷۹

قانون نموه پرداخت ممکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال

دولتی ۲۹۹

کتاب اول - در امور مدنی

کلیات

ماده ۱- آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

ماده ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

ماده ۳- قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

ماده ۴- دادگاهها مکلفند در مورد هر دعا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.

ماده ۵- آرای دادگاهها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

ماده ۶- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

ماده ۷- به ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

ماده ۸- هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

ماده ۹- رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می یابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می باشد مگر اینکه آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می شود.

باب اول - در صلاحیت دادگاهها

فصل اول - در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها

ماده ۱۰- رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

ماده ۱۱- دعا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعا خواهد کرد.

تبصره- حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.

ماده ۱۲- دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.

ماده ۱۳- در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع

کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.

ماده ۱۴- درخواست تأمین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است.

ماده ۱۵- در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، به شرط آنکه دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشاء باشد.

ماده ۱۶- هر گاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیرمنقول متعددی باشد که در حوزه‌های قضائی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هریک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید.

ماده ۱۷- هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است.

ماده ۱۸- عنوان احتساب، تهاتر یا هر اظهاری که دفاع محسوب شود، دعوی طاری نبوده، مشمول ماده (۱۷) نخواهد بود.

ماده ۱۹- هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار متوقف می‌شود. در این مورد، خواهان

مكلف است ظرف يك ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا كند و رسيد آن را به دفتر دادگاه رسيدگي كنده تسليم نمايد، در غير اين صورت قرار رد دعوا صادر مي شود و خواهان مي تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نمايد.

ماده ۲۰- دعوای راجع به تَرَكه متوفی اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که تَرَكه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعوی یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.

ماده ۲۱- دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.

ماده ۲۲- دعوای راجع به ورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعوای مربوط به اصل شرکت و دعوای بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین شرکاء و دعوای اشخاص دیگر علیه شرکت تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود.

ماده ۲۳- دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که پول باید پرداخت شود اقامه می‌شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یادشده برچیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

ماده ۲۴- رسیدگی به دعوای اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوای اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.

ماده ۲۵- هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.

فصل دوم- اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن

ماده ۲۶- تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۲۷- در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی

نداند با صدور **قرار عدم صلاحیت**، پرونده را به دادگاه صلاحیتدار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است **خارج از نوبت** نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده راجعت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. **رای دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع خواهد بود.**

تبصره- در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یادشده، **دیوان عالی کشور** می‌باشد.

ماده ۲۸- هرگاه بین دادگاههای عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رای دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد.

ماده ۲۹- رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور، **خارج از نوبت** خواهد بود.

ماده ۳۰- هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود حسب مورد، **نظر مرجع عالی لازم‌الاتباع است.**

باب دوم - وکالت در دعاوی

ماده ۳۱- هریک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.

ماده ۳۲- وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیر دولتی، شهرداریها و بانکها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کار آموزی در دفاتر حقوقی دستگاههای مربوط.

دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

تشخیص احراز شرایط یادشده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود. ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.

ماده ۳۳- وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده است.

ماده ۳۴- وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیر رسمی باشد. در صورت اخیر، درمورد وکالت نامه‌های تنظیمی در ایران، وکیل می‌تواند ذیل وکالت نامه تأیید کند که موکل شخصاً در حضور او امضا یا مهر کرده یا انگشت زده است. در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد

باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت‌نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آئین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورت جلسه قید و به امضای موکل می‌رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رئیس زندان یا معاون وی باید امضا یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

تبصره- در صورتی که موکل امضا، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۳۵- وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت‌نامه تصریح شود:

۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی.

۲- وکالت در مصالحه و سازش.

۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند.

۴- وکالت در تعیین جاعل.

۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.

۶- وکالت در توکیل.

- ۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.
 - ۸- وکالت در دعوای خسارت.
 - ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا.
 - ۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث.
 - ۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث.
 - ۱۲- وکالت در دعوای متقابل و دفاع درقبال آن.
 - ۱۳- وکالت در ادعای اعسار.
 - ۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.
- تبصره ۱- اشاره به شماره‌های یادشده دراین ماده بدون ذکر موضوع آن، تصریح محسوب نمی‌شود.
- تبصره ۲- سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشد.
- ماده ۳۶- وکیل در دادرسی، در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد.
- ماده ۳۷- اگر موکل وکیل خود را عزل نماید، مراتب را باید به دادگاه و وکیل معزول اطلاع دهد. ***عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود***. اظهار شفاهی عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و به امضای موکل برسد.
- ماده ۳۸- تا زمانی که عزل وکیل به اطلاع او نرسیده است اقدامات وی در حدود وکالت، همچنین ابلاغ‌هایی که از طرف دادگاه به وکیل می‌شود مؤثر در حق موکل خواهد بود، ولی پس از اطلاع دادگاه از عزل وکیل، دیگر او را در امور راجع به دادرسی، وکیل نخواهد شناخت.